

تهاجم فرهنگی علیه عفاف و حجاب زن مسلمان

امین محیسنی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

چکیده

تحقیق حاضر به بیان تهاجم فرهنگی علیه عفاف و حجاب زن مسلمان و شناخت نقشه‌های استکبار جهت ریشه کن کردن عفت و حیای مادران و زنان جامعه، به روش تحلیلی توصیفی با استناد به منابع کتابخانه‌ای پرداخته است. عفاف و حجاب یکی از اصلی‌ترین آموزه‌ها و دستورات ادیان الهی است و تمدن اسلامی نیز بر این اساس شکل خواهد گرفت. به خلاف آنکه جامعه غرب به دنبال برهنگی زنان است اما بنابر معارف اسلامی، عفاف و حجاب برخاسته از فطرت زن هستند و فطرت مردان نیز از زنان آلوده بیزار است. اکنون کمپین‌هایی در مقابله با حجاب شکل گرفته است که علاوه بر نفی فرهنگ عفاف به دنبال تضعیف مرجعیت اسلام در اداره جامعه است. در اسلام حیا و عزت، آمیزه‌ی ظریف لطافت و برندگی ایمان است و جهان غرب با دگرگون‌سازی فرهنگ عفاف؛ موجب برخوردی بی‌احترامی میان زن و مرد و نسخ حیا و عفاف و عصمت زنان شده‌اند. اما اسلام با الگو قرار دادن زنان بزرگی چون آسیه و مریم سلام الله علیهما راه پیشرفت را به زنان مسلمان در سایه عفت نشان داده است و امروز زنان ایران اسلامی بخشی از پیشرفت‌های شگرفت کشور ایران را در طول چهار دهه بعد از انقلاب رقم زده‌اند.

کلید واژگان: اسلام، تهاجم فرهنگی، حجاب، زن مسلمان، غرب، عفاف.

^۱ دانش پژوه سطح ۲ مدرسه علمیه امام مهدی (عج) اهواز.

مقدمه

بی تردید یکی از مهم ترین معارف اسلامی که بسیاری از دستورات دینی در راستای آن جعل و ابلاغ شده اند صیانت از حیا و عفت فردی و اجتماعی است. در شریعت اسلام حجاب زنان، از ضروریات دین و پشتوانه ای برای حفظ مادران مسلمان از آلودگی ها و ناپاکی های جامعه است اما در دوره کنونی بسیاری از افراد گاه در قالب نواندیشان دینی و گاه در قالب مخالفان اسلام، امر به حجاب را منافی با حقوق زن و مسیر تکامل او می بینند و دستورات و اندیشه های اسلامی را به میدان نقد و تخریب می کشند بعضی دیگر از افراد نیز با بهانه قرار دادن حجاب اساس اسلام و حمایت اسلام بر جامعه را به چالش می کشند، حال با توجه به مباحث موجود این سوالات مطرح است اول) حجاب در اسلام چه ثمرات فردی و اجتماعی را به همراه دارد؟ دوم) آیا حجاب با سرشت انسان منطبق است؟ چرا عده ای همواره به واسطه حجاب اصل حاکمیت اسلام را زیر سوال می برند؟ این تحقیق در صدد آن است به سوالات بالا پاسخ دهد سیر این مقاله از تبیین معنای عفاف در لغت و اصطلاح شروع می شود سپس به مباحثی پیرامون انطباق حجاب با فطرت انسانی مطرح می شود سپس ویژگی های خاص حجاب ذکر شده و بعد از آن به بعضی شبهات پیرامون تعارض حجاب با آزادی پاسخ داده می شود.

اهمیت مساله حجاب و عفاف از آن جهت است که دین اسلام علاوه بر سعادت فرد، خود را ضامن صیانت جامعه و سلامت خانواده می داند به همین علت تمام احکام اسلامی خصوصا احکامی که جنبه اجتماعی دارند مبتنی بر کرامت اسلامی- انسانی و پرهیز از آلودگی های روحی است امید است این تحقیق برای همه آحاد جامعه مخصوصا مادران سرزمین ایران ثمربخش بوده و ضمن تنقیح جایگاه عفاف و حجاب در اسلام به بعضی شبهات پیرامون آن نیز پاسخ دهد.

در ارتباط با تهاجم فرهنگی علیه حجاب و عفاف تحقیقاتی انجام شده که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می شود:

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، کتاب تهاجم فرهنگی، و نیز کتاب حجاب و روشنفکران اثر نوشین احمد خراسانی و به طور کلی مسئله تهاجم فرهنگی و نیز مسئله ارتباط روشنفکران و حجاب را بیان نموده اند و نیز مقاله عفاف در آیات قرآن و نگاهی به روایات، به قلم دکتر کاظم قاضی زاده و سید علی سلمانی، تنها به بیان حجاب و عفاف و تفاوت بین آنها پرداخته اند اما در این پژوهش به بررسی تهاجم فرهنگی علیه حجاب و عفاف زن مسلمان خواهیم پرداخت.

مفهوم شناسی

(۱) معنای تهاجم فرهنگی

رهبر بیدار دل آگاه انقلاب تهاجم فرهنگی را این گونه تعریف کرده اند: تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعه ای سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیر کردن یک ملت به بنیان های فرهنگی آن ملت هجوم می برند. آن ها هم چیزهای تازه ای را وارد این کشور و ملت میکنند اما بزور و به قصد جایگزین کردن آن ها با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت، که نام این، تهاجم فرهنگی است. (- سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ (۱۳۷۱/۵/۲۱)).

(۲) ویژگی های تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی در مقایسه با تهاجم نظامی یا اقتصادی از ویژگی های منحصر به فرد برخوردار است و باعنایت به همین خصوصیات و ویژگی ها است که توجه کافی و مقابله جدی با آن را می طلبد (سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ (۱۳۷۱/۵/۲۱)). این ویژگی ها عبارتند از:

الف- نامرئی و نامحسوس بودن

ب- دراز مدت و دیر پا بودن

ج- ریشه ای و عمیق بودن

۳) معنای لغوی عفاف

از نظر لغت «عفت» از عَفَّة و عُفَّاه (باقیمانده چیزی) گرفته شده، و به معنی اقتصار و قناعت کردن بر تناول شیءِ قلیل و مقتصر است، که باقیمانده از چیزی است. سپس معنی از این فراتر رفته و راغب در مفردات گوید: «العَفَّةُ حُصُولُ حَالَةٍ لِلنَّفْسِ تَمْتَنِعُ بِهَا عَنْ غَلْبَةِ الشَّهْوَةِ» (راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص ۳۳۹). عفت حاصل شدن حالتی برای نفس است. (مکارم شیرازی، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه مت یقن) "ج ۱" ص ۳۳۹). که امتناع می کنند به سبب آن حالت از غلبه شهوت، به تعبیر ساده حالت کنترل در مقابل شهوات است. وقتی میگوییم شهوت، فقط شهوت جنسی مراد نیست، بلکه معنی آن مراد است، شهوت مال، جاه، خوردن، تکلم کردن، شهوت جنسی و غیره، عَفَّتْ در همه این ها کنترل کننده است. (همان، ص ۳۴۰).

۴) مفهوم شناسی عفاف

در عرف عرب حالت خویشتن داری «عفت» نامیده می شود که زینت او می گردد و نقطه ضعف ظاهری او را می پوشاند. (مکارم شیرازی، پیام امیرالمومنین علیه السلام ج ۱۴، ص ۷۲۳).

البته «عفاف» و «عفت» تنها به معنای خویشتن داری در برابر آلودگی های جنسی نیست آن گونه که در فارسی امروز ما معنا می شود، بلکه از نظر واژه عربی، هر گونه خویشتن داری در مقابل گناه و کار خلاف را فرا می گیرد. خداوند درباره جمعی از فقراى آبرومند و با ایمان می فرماید: «يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَعْيَاءً مِنَ التَّعَفُّفِ» (سوره بقره ایه ۲۷۳). شخص نادان آن ها را بر اثر عفت، غنی و ثروتمند می پندارد، بنابراین «عفت» به معنای خودداری کردن از

حرام و هرگونه کار خلاف است؛ خواه در مسائل جنسی باشد یا غیر آن. (مکارم ش‌پیرازی، پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج ۱۴؛ ص ۷۲۳).

۵) حجاب در لغت و اصطلاح

بنابر نظر زبان شناسان و لغت دانان کلمه ای حجاب واژه ای است عربی و فعلی است غیر لازم و به معنای "در ستر قرار دادن" به کار می رود. بدان سان آورده اند: «حجبت الشيء.. اذا سترته، و الحجاب: السّتر...، احتجبت الشمس في السحاب اذا تستترت فيه" (-) ابن درید، جمهره اللغة، ج ۱، ص ۲۶۲، ذیل واژه حجب). از این باب حاجب، حفاظی است که روی چیزی را فرا می گیرد و حاجب یعنی پوششی که پرده در برابر پنجره دارد، و هنگامی که شمس در سحاب فرو می رود عرب می فرمایند: احتجبت الشمس في السحاب یعنی روی فروکشیدن شمس در سحاب.

حجب فعلی غیر لازمی است و به معنی سد شدن به نقش می رود. به ستر، حاجب می گویند، زیرا سد از رویت است، و به نگهبان، حاجب گفته می شود، زیرا ایشان سد از دخول اشخاص است. این کلمه در اساس بر مانع ها جسمانی انتساب می گردد، ولی بعضی زمان ها به مانع های باطنی نیز حاجب گفته می شود. (- فیومی، مصباح المنیر، ص ۱۲۱).

از بیان اهل لغت می توان برآیند گرفت که در لسان عرب، حاجب به حفاظی بیان می شود که مسد از رویت چیزی پوشانده شده می شود. شهید مطهری ثمره پژوهش های لغوی خود را در باب این لفظ، این طور عرض می کند:

لفظ حاجب هم به مفهوم ملبس شدن است و هم به مفهوم چادر و حاجب، اغلب کاربردش به مفهوم چادر است. این لفظ از آن جانب معنای حفاظ می دهد که پرده باعث حفاظ است و احتمالاً بتوان بیان کرد که به برابر اساس لفظ هر حفاظ حجاب نیست؛ آن

حفاظی حجاب خوانده می شود که از راه پشت چادر واقع شدن اقدام گردد. (مرتضی مطهری، همان، ج ۱۹، ص ۴۳۰-۴۲۹).

این لفظ در قرآن و روایات نیز با التفات به همین معنای لغت شناسی به نقش رفته و معنای ویژه ای نمایان نکرده است. (راغب اصفهانی، مفردات راغب، ذیل ماده «حجب»). شهید مطهری می فرماید: در کتاب خدا در حکایت سلیمان افول شمس را این گونه بیان می کند: «حتی توارت بالحجاب» یعنی تا آن زمانی که شمس در پشت چادر پنهان شد. تفسیر حاجب با این گونه مفهوم در آیه ۵۱ سوره شوری و نیز در آیه ۵۳ سوره احزاب به نقش برده شده است... در فرمانی که جانشین پیامبر (ص) به مالک نوشته است می فرماید: «فلا تطولن احتجابک عن رعیتک» یعنی در بین ملت باش کمتر خود را در حرم سرا از ملت مخفی کن. حاجب و نگهبان تو را از مردم منفرد نکند بلکه خودت را در دسترس بازدید و ارتباط ملت قرار ده. (مرتضی مطهری، همان، ج ۱۹، ص ۴۳۰).

حجاب در لغت به معنی چیزی است که در میان دو شیء حائل می شود (ابن منظور، لسان العرب ماده حجب) به همین جهت پرده ای ه در میان امعاء و قلب و ریه کشیده شده «حجاب حاجز» نامیده شده است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۱۷، ص ۱۴۲) لذا به کار رفتن کلمه حجاب در پوشش زنان اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما پیدا شده و اگر در تواریخ و روایات پیدا شود بسیار کم است. (همان، ص ۴۰۲)

تمایز مفهومی «عفاف» و «حجاب»

عفاف و حجاب به عنوان دو ارزش در جامعه به ویژه جوامع اسلامی همواره در کنار هم و گاه به جای هم به کار رفته اند. در بررسی کتب لغت برای واژه «حجاب» چند معنا می یابیم حجاب به معنی پوشش (ابن منظور، ۱۴۱۴ لسان العرب، ج ۲، ص ۲۹۸) و چیزی است که بین بیننده و آنچه میبیند حائل شود. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۴) اصل کلمه حجاب به

معنای پرده است و چون پرده خصوصیت پوشانندگی و مانع شدن را دارد این معانی را به حجاب داده اند .

با توجه به معانی ذکر شده، حجاب یک امر ظاهری و بیرونی است؛ یعنی در حقیقت پوشش ظاهری افراد، بویژه زنان را حجاب می گویند اما «عفاف» چنانکه قبلاً اشاره شد یک حالت درونی است که انسان را از گناه و حرام باز می دارد و آثار آن در گفتار و کردار انسان نمود پیدا می کند.

از مقایسه معانی «حجاب» و «عفاف» به این نتیجه می رسیم که عفاف یک حالت نفسانی و درونی است که نمودهای گوناگونی دارد از جمله عفت در نگاه عفت در گفتار عفت در راه، رفتن عفت در، زینت عفت در پوشش و که «حجاب» در حقیقت همان نمود «عفاف» در نوع پوشش است (قاضی زاده و سلمانی، مقاله: عفاف در آیات قران و نگاهی به روایات).

اهمیت عفاف و حجاب

اثار عفاف در مقایس فردی، خانوادگی، اجتماعی و تمدنی، ان را به موضوعی دارایی اهمیت در قاموس ادیان الهی به ویژه اسلام تبدیل کرده است. تمدن اسلامی بر پایه اقتصاد پاک و دامان پاک بنا می شود و موضوع عفت بطن و عفاف جنسی به قدری مورد توجه بوده است که در متون دینی اند را پر فضیلت ترین عبادت دانسته اند. (الکافی، ج ۲، ص ۷۹)

ازادی جنسی در دوران ما به لبه تیز نزاع عقلانیت توحیدی و عقلانیت فردگرا در مقیاس تمدنی تبدیل شده است؛ تا آنجا که بسیاری از اندیشمندان جهان مدرن «جنس‌ینگی» (گگ‌یدنز، دگرگونی عشق و صمیمیت، ص ۱۳) را از کلیدهای فهم تمدن مدرن دانسته‌اند. (همان، ص ۱۶۳)

در نزاع عقلانیتها عقلانیت مهاجم از هر ظرفیتی برای بسط و سیطره خود و به حاشیه راندن رقیب سود می جوید و در این میان تحول در معنای واژگان، تغییر در شبکه مفهومی و در پی آن تغییر در نظام اندیشیدن از ابزارهای مهم عقلانیت مهاجم برای انزوای رقیب است در ادبیات فردگرایانه کشف حجاب، بدن نمایی و سهل انگاری جنسی با کلیدواژه «آزادی» موجه می شود. این گفتمان که خود را بر پایه خود آیینی انسان استوار میکند آزادی را خود مختاری کامل و رهایی از هرگونه محدودیت در پندار، گفتار و کردار و اینکه اراده انسان برای رسیدن به آنچه می خواهد با هیچ مانعی روبه رو نشود تفسیر می کند. (– آشوری، دانش نامه سیاسی، ص ۲۰) حال آنکه آزادی نگاه اسلام برداشتن موانع و محدودیت ها برای ارتقای بیشش ها عواطف و رفتارها در مسیر رشد و سعادت است و به این معنا پیامبران الهی پیش قراولان آزادی اند؛ آمده اند تا غل و زنجیرها

را از دست و پا و ذهن و قلب مردم باز کنند تا بتوانند بدون هیچ مانعی مسیر رشد و سعادت خود را بیابند و برگزینند. (سوره اعراف، ۱۵۷) تمایز آشکار این دو تفسیر از آزادی سبب می شود بر اساس تفسیر نخست پوشش اختیاری و اباحه گرایی و تکثر جنسی مصداق آشکار آزادی قلمداد شود؛ حال آنکه در تفسیر دوم مصداقی روشن از سلب آزادی و ایجاد محدودیت و مانع در چون مسیر تعالی انسان است.

آنچه بر زن لازم است این که در برخورد با نامحرم زمینه فساد را فراهم نکند و لباسش انگشت نما و لباس شهرت نباشد، حال پوشش او چادر باشد یا چیز دیگر، فرقی نمی کند. (هدایت خواه، زیور عفاف، پاسخ به شبهات حجاب اسلامی، ص ۲۵۵ و ۲۵۶)

از بین بردن حیای فطری میان زن و مرد

دین مبین مسلمین برای شوهر و زوجه این فرهنگ را قائل است و میگوید که این دو انسان از منظر حقوق اساسی، جامعه شایستگی معنوی، مقصدهای بزرگ بهره مندی از معنویات در عرصه ی آگاهی و سیر الی الله، هیچ تفاوتی با هم ندارند. دو عدل یک دیگرند

و میان آنها در جامعه هم همیاری وجود دارد. هیچ کس در نظام اسلامی بیان نکرده است که در ظاهر های مختلف جامعه، بانوان و مردان هیچ گونه برخوردی با همدیگر نداشته باشند ولی در عین حال، زن و مرد را مکلف نموده است که از معاشرت به شکل بی بندوبار، در حالت مهم بر حذر کنند. اسلام یک حاجب میان آنها قرار داده است؛ آن هم حاجبی از حیا. حاجب شرم در میان زن و مرد فطری انسان است این نظر اسلام است. (دیدار خواهران طلبه و فرهنگی با رهبری در مصلای قم (۱۶/۹/۱۳۷۴))

موضوع حاجبی هم که اسلام بر روی او اتکا می کند، یک مظهري از همین محور بسیار عالی و پراهمیت است کنش بی رشته و بی فکر بین زن و مرد را تاکید نمی کند غرب بر اخلاق بی رشته و بی فکر میان زن و مرد به ویژه اصرار می ورزد. آنچه اسلام انجام می دهد که این اخلاق بی رشته و بی فکر را تاکید نمی کند این بر اساس ویژگی بشر است ویژگی زن و مرد است، یک حاجب ذاتی و یک حیای ذاتی قرار دارد وسط دو جنس، بطور طبیعی در بشر، در حیوانات البته نیست آن کسی که این امر ذاتی را برهم میزند حتما باید پاسخگو باشد و آن غرب است، آن فرهنگ برهنه گری ای است که غرب بر آن اصرار دارد و در این زمان های اخیر در این ده ها سال اخیر دارد بتدریج نتایج زیانبار این کار را یکی پس از دیگری حس میکند؛ تلاشی خانواده ها، خرابی اخلاق گسترش کار به سنین پایین و هلم جرا. آنها باید جواب بدهند، آنها هستند که حقوق زن را و حقوق مرد را در واقع تضییع کرده اند اسلام با رعایت این اصل، فطری بر حقوق زن و حقوق مرد پای فشرده است حقوق انسان را رعایت کرده است، این آن روحیه ای است که باید زن ایرانی امروز، زن مسلمانی که در محیط اسلامی زندگی میکند، باید از آن برخوردار باشد (دیدار خواهران طلبه و فرهنگی با رهبری در مصلای قم (۱۶/۹/۱۳۷۴))

انقلاب جنسی و مبارزه با حجاب و عفاف

عفاف به عنوان ارزش اخلاقی و حجاب به مثابه نمودی عینی یا محافظت کننده بر آن در دوران کنونی خاص بودگیهایی یافته است که آن را از عفاف و حجاب در روزگاران گذشته و در صدر اسلام متمایز می‌کند. فهم تمایزات که دو مورد از آنها در ادامه می‌آید میتواند در شکل دهی به الگوی رویارویی با آن تعیین کننده باشد.

اول. در دهه ۱۹۵۰ رابطه میان امر جنسی و حوزه سیاسی توجه ویلهلم رایش (۱۹۵۷-۱۸۹۷م)، روان کاو اتریشی و نظریه پرداز انقلاب جنسی را به خود جلب کرد. رایش معتقد بود اصلاح اجتماعی و سیاسی بدون رهایی جنسی ممکن نیست. کودکان و نوجوانان باید از حق بازیهای جنسی با دیگران یا با خود برخوردار شوند؛ همچنین باید آنها را از سلطه والدین محافظت کرد تا نیازهای جنسیشان را بی هیچ مانعی برآورده کنند؛ باشد که روزی کارگزاران تغییرات آینده شوند. (گایدنز، دگرگونی عشق و صمیمیت، ص ۱۶۷) او در کتاب روان شناسی توده ای فاشیسم میان آزادی جنسی و آزادی، سیاسی رابطه ای معنادار در نظر گرفت از نگاه رایش، سیاست منع اخلاقی انسانها را ترسو و تحت استیلای دیکتاتوری بار می‌آورد و آزادی جنسی نه تنها مقاومت شخص در برابر تابوهای اخلاقی است؛ بلکه مقاومت در برابر هر نوع سرکوب از جمله سرکوب سیاسی است. بنابراین انقلاب جنسی میتواند مسیر را برای انقلاب سیاسی هموار کند.

از دهه ۱۳۷۰ به این سو تضعیف حاکمیت اسلامی در ایران از مسیر انقلاب جنسی بیش از گذشته موضوع توجه قدرتهای جهانی و مخالفان سیاسی نظام قرار گرفت. راهبرد اصلی نظام سرمایه داری تغییر ارزشهای اخلاقی و جنسی جوامع انسانی به ویژه ایران است؛ اما با هوشمندی دریافته است که دستیابی به این هدف - در گام نخست - از مسیر ایجاد نزاع بر سر موضوعی است که امکان بیشتری برای لشکرکشی در مورد آن وجود دارد. ایران جامعه ای عفاف محور است و اگر نزاع بر سر تکثر جنسی و اباحه گرایی اخلاقی شکل گیرد،

جامعه در مخالفت با آن، انگیزه بسیاری دارد بنابراین لازم است با تغییر محل نزاع هزینه تحول در امر جنسی را کاهش دهند.

از اواخر دهه ۱۳۷۰ فمینیست‌های مارکسیست در داخل و خارج کشور به این موضوع علاقه نشان دادند که چگونه میتوان نواندیشان دینی را به صحنه دفاع از آزادی کامل پوشش برای زنان وارد کرد؟ (ماه‌باز، زنان ایرانی چراغی در دست، ص ۲۵۳-۲۷۶) از اوایل دهه ۱۳۸۰ به موازات آن که موضوع حجاب برای فمینیست‌های ایرانی، چپ رسانه‌های بیگانه و جریان معارض اهمیت یافت، در ادبیات نواندیشان دینی نیز به موضوعی مهم تبدیل شد دیدگاه رسمی حجاب از سوی نواندیشان به نقد کشیده شد و ضرورت بازبینی در حکم شرعی یا الزام حکومتی موضوع بحث قرار گرفت در سال ۱۳۸۵ این موضوع توجه فمینیست‌ها را به خود جلب کرد که در مبارزه زنان ایرانی، آیا آزادی پوشش محور اصلی است یا نه؟ اما آغاز به کار کمپین یک میلیون امضا برای حذف قوانین نابرابر که از همین سال آغاز شد، نشان می‌داد رفع حجاب الزامی صرفاً به مثابه یک موضوع حاشیه‌ای - آن هم فقط برای اقلیت‌های مذهبی مورد توجه قرار گرفته است. در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دهم در سال ۱۳۸۸، ائتلافی از فمینیست‌های داخلی شکل گرفت که رفع حجاب اجباری از خواسته‌های اصلی آنان بود همزمان با شکل‌گیری این ائتلاف، فمینیست‌های ایرانی خارج کشور نیز کمپین مقابله با حجاب اجباری را تشکیل دادند. از این سال به بعد است که حجاب به موضوع قانونی در مبارزه فمینیستی و معارضان نظام تبدیل میشود و شاهد چرخش گفتمانی معارضان به سمت تنانگی و امر جنسی. هست‌یم کمپین آزادی‌های یواشکی و چهارشنبه‌های سفید تنها چند مورد جزئی از اقداماتی است که با منشأ خارجی در یک دهه گذشته پیگیری شده است.

علت قانونی شدن امر جنسی و حجاب در گفتمان معارضان را میتوان از یک سو به رواج شبکه‌های اجتماعی از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ به ویژه فیسبوک و توییتر ربط داد که در آنها امکان به اشتراک گذاشتن دغدغه‌ها و تجربه‌ها و سبک‌های گوناگون زندگی و گفت

وگو درباره مسائل عینی در زندگی روزمره فراهم میشد و از سوی دیگر میتوان آن را به دوقطبی شدن فضای سیاسی - اجتماعی ایران پس از انتخابات ۱۳۸۸ و همچنین ورود به فضای پساتحریم از اوایل دهه ۱۳۹۰ نسبت داد که به افزایش ناراضی‌های اجتماعی انجامید. هم اکنون معارضان جمهوری اسلامی مبارزه بر ضد حجاب اجباری را امری کاملاً سیاسی میدانند که کلیت حکومت و حتی جنبش اسلام‌گرایی در سطح بین‌المللی را به چالش جدی می‌کشد برخی از آنان موضوع حجاب اجباری را حامل یکی از حادث‌ترین تنش‌های موجود در جامعه معرفی کرده‌اند که رویارویی زنان با آن دارای پتانسیل سیاسی بی‌بدیلی است. برخی از فمینیست‌های سکولار نیز حجاب اجباری را موضوعی جذاب برای درگیر شدن با اصل دین و نفوذ مراجع تقلید و روحانیان و گسترش عرفی‌گرایی در برابر شریعت‌گرایی روحانیان راست‌گیش میدانند (احمدی خراسانی، حجاب و روشنفکران، ص ۲۴۸). موضوع منازعه قرار گرفتن حجاب از سوی مخالفان و جهمی‌نمادین به حجاب میبخشد و آن را در جایگاه نماد اسلام سیاسی و موضوعی جذاب برای درگیری معارضان قرار میدهد. بنابراین نمیتوان حجاب را صرفاً امری فرهنگی و خالی از شائبه‌های سیاسی - امنیتی قلمداد کرد. با ملاحظه چنین واقعیتی است که بی‌حجابی افزون بر معصیت، اخلاقی، گناه سیاسی نیز به شمار می‌آید؛ هرچند افرادی که کشف حجاب می‌کنند قصد معارضة سیاسی نداشته و حتی با آثار سیاسی آن نیز - به شکل تفصیلی - نا آشنا باشند.

دوم) غرب مدرن - چه در پوشش لیرالیسم و چه در ذیل مارکسیسم - کوشیده بشر را از نمونه‌های دیگر تمدن محروم کند و تمدن سکولار را یگانه نسخه پیشرفت بشر و دین را به مثابه افیون ملت‌ها. بازنمایند ساخت تصویری، زن ستیز واپس‌گرا و واگرا از دین می‌تواند تا حدود زیادی مشروعیت آنان را توجیه کند وقوع انقلاب اسلامی که با تشکیل جمهوری اسلامی به موفقیت رسید زنگ خطری در گوش کسانی بود که دین را در دوران مدرن تمام شده می‌دانستند حضور دین در موقعیت اداره جامعه به این معنا بود که دین ادعای راهبری اجتماع را دارد و مدعی است میتوان در فضای سیطره گفتمان مدرن با نرم‌افزاری

دیگر یعنی با عقلانیت توحیدی به بازسازی اجتماع و ساخت تمدن پرداخت. فمینیست‌ها به ویژه رادیکال فمینیست‌ها که ادیان را مهمترین کانون توسعه و عمق بخشیدن به مردسالاری می‌دانستند این رخداد را با نگرانی پیگیری می‌کردند و نزدیک به یک صد سال مبارزه فمینیستی در ایران را که مهمترین رهاورد آن کشف حجاب و گام‌هایی مهم در برابری جنسیتی و تضعیف اقتدار خانواده بود بر باد رفته می‌دیدند. از این رو با موضع‌گیری امام درباره لزوم رعایت حجاب در اسفندماه ۱۳۵۷ کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب به تکاپو افتادند. سیمون دوپرار به همراه صدها نفر از رادیکال فمینیست‌ها و بتی فریدان همراه با صدها تن از لیبرال فمینیست‌ها اجتماعاتی را در برابر سفارتخانه‌های ایران در کشورهای اروپایی و آمریکا برگزار و از حاکمیت دین در ایران و بازگشت به حجاب انتقاد کردند و تصمیم گرفتند با اعزام هجده تن از فمینیست‌ها به ایران حکومت جدید را درباره عقب‌نشینی از حجاب متقاعد کنند؛ اقدامی که البته با واکنش سرد دولت ایران به نتیجه نرسید. (-متین و مهاجر، خیزش زنان ایرانی، صص ۹-۱۲).

پیشرفت زنان ایرانی در چهار دهه پس از انقلاب، در شاخص‌های شناخته شده، از جمله شاخص‌های آموزشی پژوهشی، فناوریانه ورزشی و موارد دیگر با رعایت حجاب، شائبه واپس‌گرایی حکومت دینی را کم‌رنگ کرد و پوشش اسلامی را از نماد عقب‌ماندگی زن مسلمان به نماد کنش اجتماعی هدفمند و پاک و نماد هویت‌یابی زنان نسل جدید تبدیل نمود؛ تا آنجا که برخی زنان غیرمسلمان را نیز به شگفتی واداشت. در این تجربه جدید، اسلام تصویری نو از زن ارائه می‌کند که نه زن تحقیر شده و ایستاست و نه زن منفعل و بازیچه غربی که با شعارهای فریبنده استقلال و آزادی از خانواده رانده شده و ارزش‌های اخلاقی را وانهاده است. در این تجربه جدید، زن به دنبال آزادی است؛ آزادی از آنچه ذهن و قلب او را از ارزش‌های واقعی منحرف نماید و زمینه‌های رشد و پیشرفتش را مسدود یا محدود کند. در چنین اوضاعی میدان به نفع عقلانیت توحیدی تغییر خواهد کرد؛ از این رو لازم است نوسرمایه‌داری که متهم ردیف اول در انحطاط زن امروز است با بهره‌گیری از سلطه رسانه

ای و ارتش غرب زدگان تصویری واپس گرا و ضد زن از ادیان به ویژه اسلام بنمایاند و دین را در جایگاه متهم ردیف اول در عقب ماندگی زنان بنشانند و با انحراف در معنای آزادی زنان را به بهانه مطالبه آزادی در برابر دین و حکمرانی دین قرار دهد.

رفع حیا و طهارت و برائت از زنان

روزی که توطئه و سیاست نظام گذشته راهی برای گمراه کردن جامعه و تباهی نیمی از جمعیت این مملکت یعنی زنان و مردانی که از این طریق به فساد کشیده می شوند و به زنان توهین می کنند و شرع غیر قانونی و اسلامی می کنند. ، اخلاقی و عقلانی و همچنین ترویج فرهنگ برهنگی و نهی از عفت و عفاف و برائت. اما لطف خداوند، هوشیاری مردم، به ویژه هوشیاری زنان مسلمان، باعث شد که این توطئه ها و ابزار چینی ها برعکس آنچه می خواستند عمل کنند و در ۲۶ آذر ۵۶ که زنان مسلمان ابتدا حرکت انقلابی خود را آغاز کردند. با تظاهرات اسلامی سرآغاز یک حرکت بزرگ شد. زنان در این کشور و همسویی آنها با مردان و به وجود آمدن فضایی کاملاً انقلابی در این کشور، از این فرصت استفاده می کنم و به برادران مسلمان خود در سراسر کشور هشدار می دهم و به آنان توصیه می کنم که در فضایی پاک و معصومانه مسلمان برای زنان زندگی بدانند. سخنان رهبری در خطبه نماز (جمعه ۱۳۶۴/۱۰/۱۶)

دگرگون کردن فرهنگ عفاف

کشورهای صنعتی جهان با توجه به تجربه های پیشین کشورهایمانند، افغانستان، مصر و عراق و دیگر کشورهای اسلامی عرب و غیر عرب اسلام را بعنوان یک خطر اصلی تلقی کردند و از این راه با سلطه ی فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی زنان جامعه را در یک آزمایش تاریخی قرار دادند که آن تطاول بر حجاب زن و دگرگون کردن فرهنگ عفاف در زنها بود و در این مرحله دیدیم که زن مسلمان نماز میخواند روزه میگرفت و به

تأیید فرهنگی علیه عفاف و حجاب زنان

زیارت میرفت اما فاقد حجاب بود؛ چرا که الگوی واضحی از زن مسلمان و زن مورد نظر قرآن را مشخص نکرده بودند. (سخنان رهبری- در سیمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلم (۱۳۶۴/۱۲/۱۰))

کشف حجاب؛ مقدمه‌ی برداشتن عفت و حیا

برداشتن حجاب، مقدمه‌ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه‌ی اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای اینکه از همه کارهای دیگر بمانند؛ و یک مدتی هم موفق شدند اما ایمان عمیق ملت ایران نگذاشت. زنهای مسلمان ما با وجود سختگیریها در طول زمان در مقابل این فشار سرکوبگر مقاومت کردند؛ بعد از رفتن رضاخان به نحوی در زمان خود او به نحوی در طول دوران بقیه‌ی طاغوت هم به نحوی. لذا در همان دیماه ۱۳۵۶، روز هفدهم دیماه در مشهد، یک اجتماع عظیمی تظاهراتی از زنان مسلمان با شعار حفظ حجاب راه افتاد. (سخنان رهبری- در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم (۱۳۸۶/۱۰/۱۹))

ساخت اسباب بازی

اسباب بازی‌های کودکان مهم‌ترین دارایی فرهنگی محسوب می‌شود و نقش مهمی در تربیت کودکان دارد. در این میان عروسک‌ها نمونه بارز یک محصول بسیار فرهنگی هستند. تحقیقات روانشناسان کودک ثابت کرده است که بخش بزرگی از شخصیت کودک از اولین روزهایی که دنیای اطراف خود را با حواس خود درک می‌کند با لمس عروسک‌ها شکل می‌گیرد.

این احساس به خصوص در دختر بچه‌ها یک ضرورت طبیعی است و جایگزینی ندارد. غرب هم‌یشه برای آموزش نسل غربی برای ایجاد دهکده متحد هزینه کرده است، در دنیای امروز چیزی به نام بی‌طرفی وجود ندارد. به عبارت دیگر تأثیر فرهنگ و تمدن را در

اصل همه چیز می توان دید. نمونه های زیادی از این نظریه وجود دارد، به عنوان مثال می توان به لباس های غربی و شرقی اشاره کرد. به دلیل نفوذ فرهنگ انسان گرای غربی، لباس غربی هر روز به سمت بدن حرکت می کند و لباس دیگر پوششی برای محافظت از بدن نیست. اسباب بازی ها و هر آنچه از دل هر فرهنگی بیرون می آید، رگه هایی از ایده ها، فرهنگ و تمدنی که آن را ایجاد کرده اند، به بازار می آیند.

یک نمونه عروسک باربی است. مهمترین و مهم ترین چیز در روش های آموزشی و تربیتی الگو گرفتن است. هر سنی و هر جنسیتی الگوی خاص خود را دارد، در این میان دوران کودکی در این سن از همه مهمتر است. در دوران کودکی، دختر بچه ها به دلیل اراده خاص دختر بچه ها، به دلیل قدرت شناسایی و تخیل کودک، عروسک ها را بسیار دوست دارند. در این تلقی، نقش نوزاد بسیار مورد تأکید است، زیرا نقش تربیتی زیادی به ویژه در شکل گیری شخصیت دختران دارد. عروسک باربی تنها در این موضوع نیست، بلکه به دلیل زیبایی و انعطاف و فرم بدنی که دارد تاثیر بسیار زیادی در این موضوع دارد. عروسک باربی نیز در راستای همین اهداف است. عروسک باربی نمادی از روح مدرن آمریکایی است که در قالب یک اسباب بازی دخترانه به اقصی نقاط جهان صادر می شود. این عروسک در واقع هدیه بزرگترها به کودکان است تا آنها را برای پذیرش تمدن شیطانی آماده کند.

پس از ایجاد باربی، تصمیم بر این شد که سبک های مختلف لباس در اختیار کودکان قرار گیرد تا بتوانند شخصیت مورد نظر باربی را در سبک های مختلف ایجاد کنند. با گذشت زمان، باربی یک کار مهم را کشف می کند. باربی به دختران آموخت که جامعه مدرن از زنان چه انتظاری دارد. از طرفی عروسک باربی بر خلاف عروسک های دیگر با کودک ارتباطی ندارد و چهره کودکی ندارد، بلکه یک زن ۲۰ ساله آمریکایی با ویژگی های ظاهری خاص خود است که به شکلی باشکوه طراحی و ساخته شده است. کودکان و نوجوانان ملکه روانی کودکان و نوجوانان (به ویژه دختران) هستند که به آنها تحمیل و

مجبور به خرید عروسک از جمله مراقبت و وجود تصویر آن، لوازم التحریر و غیره می شوند. از آن زمان دختران سعی می کنند به این عروسک نزدیک شوند و مشخص است که آنها هم سلیقه باری (زن آمریکایی) هستند.

در همین راستا، دختران نوجوان غربی و خارجی در حین رشد از مصرف غذای کافی پرهیز می کنند تا بدنشان شبیه باری شود و یا از مدل باری دور نشود. بنابراین، آمار سوء تغذیه در میان دختران غربی که توسط سازمان‌های بهداشتی گزارش می‌شود، شگفت‌انگیز است، زیرا فرض بر این است که وقتی دختران بزرگ می‌شوند، ترکیب بدن باری هرگز مختل نمی‌شود، بنابراین آنها هرگز در سنین بالاتر باردار نمی‌شوند. برای حفظ تناسب اندام بسیار موثر بود. در دهه ۱۹۹۰ به دلیل کاهش نرخ تولید مثل در غرب به ویژه آمریکا، باری برای آموزش دختران در این زمینه وارد صحنه شد و این عروسک با جنین در شکم منتشر شد تا دختران نوجوان بتوانند لباس باری بپوشند. دست‌ها، آنها واقعاً می‌خواهند مادر شوند. امروزه اسکایپر که خواهر کوچک باری محسوب می‌شود، بخشی از پاسخ به خواسته‌های سیاستمداران فرهنگی است که باری باید بیجه دار شود. با توجه به مطالب ارائه شده، عمق تاثیر و تاثیر شگفت‌انگیز این عروسک بر افکار، رفتار و اعمال دختر خانم‌ها مشخص می‌شود. تعداد زیادی از هنرپیشه‌ها و خواننده‌های غربی برای اینکه مورد توجه عموم قرار گیرند، هزینه‌های زیادی را صرف می‌کنند تا بدن و صورت خود را شبیه باری کنند و این به تنهایی می‌تواند دلیلی بر بلوغ جنسی دختران غربی باشد.

این عروسک به عنوان یک تبلور کاملاً مدرن شده، نقشی محوری در انتقال این فرهنگ به جوامع دیگر ایفا می‌کند، فرهنگی که با زنان به عنوان ابزار رفتار می‌کند و شعارهای فمینیستی می‌دهد.

ساخت این عروسک توسط غربی‌ها اهداف مورد نظر آنها را نشان می‌دهد. این در حالی اتفاق می‌افتد که سیستم حافظه سنتی ما به یاد دارد که عروسک‌های شرقی برگرفته از روح شرق و در موارد اسلامی دارای کرامت و ارزش‌های انسانی هستند. حتی یک

کودک مسلمان که تحت تأثیر فرهنگ غرب نیست، بدون آموزش، عروسی می‌سازد که کار یک زن متدین و متدین را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، نوع لباسی که برای او می‌پوشد، حجابی که برای او انتخاب می‌کند و نامی که برای او انتخاب می‌کند همه نشان می‌دهد که عروسک نسبت به فرهنگ خود بی‌طرف است نه اینکه او آن را خلق کرده است. طبیعی است که سازندگان غربی این عروسک‌های باربی، به جز کسانی که به فرهنگ مدرن غربی اعتقاد دارند.

اقتصاد در کنار طرح، عروسک‌هایی می‌سازد که می‌تواند به عنوان سوغاتی برای نسل آینده و کشورهای شرقی استفاده شود. از آنجایی که آفرینش کودک جدای از فرهنگ و اندیشه او نیست، مسلماً آفرینشی که غرب به جهانیان عرضه می‌کند، حاصل فرهنگ اوست و برای هدف خاصی ساخته شده است.

لازم به ذکر است که محصول این فرهنگ علاوه بر تأثیرپذیری از آن فرهنگ و تمدن، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی نیز در استفاده از محصول دارد. آوردن عروسک باربی به اتاق کودکان و باور اینکه این عروسک مانند هر اسباب بازی دیگری است، پس با اصرار کودک انجام می‌شود. مادران از خرید این عروسک‌ها خودداری می‌کنند و به درخواست‌های فرزندانشان پاسخ منفی می‌دهند. اما جذابیت و زیبایی این عروسک‌ها به قدری زیاد است و سازندگان این عروسک‌ها به قدری ماهرانه روی آن کار کرده‌اند و مطابق علایق کودکان آن را طراحی کرده‌اند که کودکان (دخترها) برای خرید یکی از آنها دست به هر کاری می‌زنند. اگرچه این عروسک آثار مخرب اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بسیاری دارد. تأثیر فرهنگی و اجتماعی باربی بسیار گسترده‌تر از تأثیر اقتصادی او است. این عروسک نماد و خلاصه یک تمدن است. (شیرودی مرتضی، امریکایی‌سازی دختران، دو هفته نامه پگاه حوزه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۲۰۶، ۱۳۷۶ ش، ص ۸)

تأثیر فرهنگ غربی

تهاجم فرهنگی و نفوذ فرهنگ بیگانه یکی دیگر از علل بی‌حجابی در جامعه است. در دنیای امروز دستگاه‌های تبلیغاتی غرب با پیشرفته‌ترین وسیله تبلیغی مثل ماهواره و شبکه‌های اجتماعی سعی دارد فرهنگ بیگانه از اسلام را که در بیشتر موارد فاسد و مخرب است، در کشورهای جهان سوم و مخصوصاً جوامع اسلامی پیاده کند و فرهنگ خود را بر جهان مسلط کند.

رهبر انقلاب در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اسلامی درباره نفوذ و تهاجم فرهنگ غرب می‌فرماید: (به نظر من، آن چیزی که امروز مجموعه شما و هر مجموعه‌ای از زنان که در شکل‌ها و با هدف‌های مختلف کار می‌کنند، بر عهده دارند این است که باور غلطی را که فرهنگ غربی و اروپایی و ده‌ها سال اخیر در ذهن زن ایرانی وارد کرده است، بزداید. البته باور غلطی هم در گذشته بوده است؛ یعنی گرایش به برخی از شکل‌های غلط مصرف و تجمل، از گذشته هم وجود داشته است. با ورود فرهنگ اروپایی، این مدگرایی و نوگرایی در مصرف، به شکل عجیبی تشدید شد. این محاسبه شده و پیش‌بینی شده بود.

سردمداران سیاست‌های غربی - که غالباً صهیونیست‌ها و استعمارگران بودند - به قصدی و با نیتی این کار را کردند. این باورهای غلط را باید بزایید؛ و این نمی‌شود، مگر با ارائه بحث‌ها و کارهای اسلامی. اگر این کارها بشود، ریشه این مشکلاتی که گاهی اوقات مطرح می‌شود - بدحجابی و رواج فساد و فحشا و این چیزها - به خودی خود کنده خواهد شد. این‌ها غالباً معلولند؛ علل، همان باورها و فرهنگ‌ها هستند که باید روی آنها کار بشود. -) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان،

(۱۳۶۹/۱۰/۱۶)

تہاجم فرہنگی علیہ صائف و صائب نثر سہلہ

نتیجه گیری

حفظ هویت اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی امروزه حجاب و عفاف نماینگر هویت اسلامی بوده و به عنوان پرچم اسلام شناخته می شود که مسئولیت به دوش کشیدن آن را زنان مسلمان به عهده دارند به کار بردن حجاب و عفاف از سوی زنان در کشورهای مختلف و افزایش روز افزون زنان محجبه نشان دهنده قدرت معنوی، شکست ناپذیری و گسترش دین اسلام علی رقم تلاش های شبانه روزی دشمنان بوده و یأس و ناامیدی آن ها را به دنبال خواهد داشت. عفاف و حجاب به عنوان دو ارزش در جامعه به ویژه جوامع اسلامی همواره در کنار هم و گاه به جای هم به کار رفته اند. پس نتیجه می گیریم رعایت حجاب و عفاف می تواند بهترین ابزار بر علیه تهاجم فرهنگی قلمداد گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. الانصاری ابن منظور الرویفی الافریقی، معجم لسان العرب، بیروت (۱۳۷۴- ۱۳۷۵ قمری).
۴. احمد فیومی، مصباح المنیر، قم، منشورات دارالرضی، بی تا.
۵. محمد ابن درید، جمهره اللغة، ج ۱، محقق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: درالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۹۸۷ م.
۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۰
۷. گیدنز، آنتونی، دگرگونی عشق و صمیمیت، مترجم: حسن چاوشیان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۴۰۰ ش
۸. فخرالدین بن محمد علی طریحی، مجمع البحرین، مشهد در ۱۶ رجب ۱۰۷۹
۹. نوشین احمد خراسانی - حجاب و روشنفکران تهران: ۱۳۹۰ ش.

۱۰. ناصر مهاجر، مهنازمتین، خیزش زنان ایرانی (۱۳۷۳)
۱۱. ماهباز، عفت، کتاب زنان ایرانی، چراغی در دست، نشر باران، ۱۳۸۳
۱۲. کلینی_الکافی_قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۷ش
۱۳. ابن مکی عاملی، شمس الدین محمد، لمعه_باب نکاح، : متعدد، ۷۸۲ق
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۷ش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب اصفهانی، تهران: ذوالقربی، ۱۳۸۱ش.
۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی، تهاجم فرهنگی، قم: سال، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶ش.
۱۷. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران: صدرا، ۱۳۹۰ش.
۱۸. سخنان رهبری-در سیمنا نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلم (۱۳۶۴/۱۲/۱۰)
۱۹. سخنان رهبری در خطبه نماز جمعه (۱۳۶۴/۱۰/۱۶)
۲۰. در دیدار رهبری با گروه کثیری از پرستاران (۱۳۸۹/۲/۱)
۲۱. دیدار خواهران طلبه و فرهنگی با رهبری در مصلاي قم (۱۳۷۴/۹/۱۶)
۲۲. رهبری-در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم (۱۳۸۶/۱۰/۱۹)
۲۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ (۱۳۷۱/۵/۲۱)
۲۴. قاضی زاده، کاظم و سلمانی، علی، مقاله عفاف در آیات قران و نگاهی به روایات، نشریه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، معارف اسلامی، دوره ۹، شماره ۳۶، سال ۱۳۸۶ش.